

«ایران» بررسی می کند: علل بی توجهی برخی رؤسای فدراسیون های ورزشی به مجامع و اساسنامه ها چیست؟

فرار از پاسخگویی و نبود شفافیت

گروه ورزشی/ ماجراجویی برخی رؤسای فدراسیون های ورزشی و فقدان شفافیت در عملکردشان، بارها با واکنش تند مجامع عمومی فدراسیون ها مواجه شده است، به طوری که در برخی موارد، اعضای مجامع ورزشی ناچار شده اند با درخواست برگزاری مجمع فوق العاده، به گزینه های تعلیق یا برکناری متوسل شوند تا دست کم روند مدیریت ناکارآمد و غیرشفاف فدراسیون را تغییر دهند، نمونه بارز این اتفاق را می توان در فدراسیون فوتبال و ژیمناستیک مشاهده کرد.

تجربه ثابت کرده است فدراسیون های مختلف، بارها و بارها به واسطه تصمیمات و عملکرد رؤسای خود دچار آفتنگی مدیریتی شده اند. اما سؤال جدی و بحث برانگیز این است که چرا این چالش ها میان اعضای مجمع و تیم مدیریتی شکل می گیرد؟ نبود شفافیت و عدم پاسخگویی مهم ترین عامل شکل گیری این چالش است، به عنوان مثال در ماجرای تعلیق رئیس فدراسیون

ضرورت تشکیل کمیته قضایی



صادق رئیس کیا
کارشناس حقوقی

موضوع چالش ورزش با گروکشی مدیران ضعیف را باید از چند منظر بررسی کرد. نمی توان همه چیز را به اقتصاد ورزش یا حتی قوانین نسبت داد و صرفاً گفت مدیران فدراسیون ها عرق ملی ندارند، مدیریت بلد نیستند یا حرفه ای عمل نمی کنند.

نخستین مسأله، تنظیم رابطه دولت با فدراسیون های ورزشی است. به جز فدراسیون های فوتبال و والیبال، سایر فدراسیون ها بر اساس اساسنامه ملی اداره می شوند. دولت تصور می کند مدیریت ورزش حرفه ای باید صرفاً اساسنامه محور باشد، در حالی که این نگاه ناقص است و راهبری فدراسیون ها باید فراتر از اساسنامه، چندبُعدی و مبتنی بر استراتژی باشد.

فدراسیون های ورزشی جلوه ای از حقوق عامه هستند و برخلاف برخی برداشت ها، رأی مجمع به معنای مصونیت قضایی نیست. وزارت ورزش باید استقلال و غیردولتی بودن فدراسیون ها را به رسمیت بشناسد، اما در عین حال، لازم است یک سری الزامات قانونی و حرفه ای برای مدیریت آنها تعیین کند: زیرا فدراسیون های ورزشی، از بسیاری شرکت های بزرگ داخلی اهمیت بیشتری دارند و یک اشتباه مدیریتی می تواند بازتاب های بین المللی گسترده ای برای کشور ایجاد کند.

از سوی دیگر، دولت معمولاً ورزش را حیاط خلوت می داند و ساده ترین سطح مدیریت را برای فدراسیون ها و حتی باشگاه ها برمیگزیند؛ نمونه روشن آن، سال ها واگذاری مدیریت باشگاه های سرخابی به افراد ناآرامد است. در حالی که انتظار می رود دولت، ورزش را به دست مدیران توانمند بسپارد و الزاماتی مشخص کند؛ همان طور که در هیچ جای دنیا فدراسیون ها برخلاف موازین سیاسی یا هنجارهای فرهنگی کشورشان رفتار نمی کنند.

البته رؤسای فدراسیون ها نیز باید بداند که با وجود استقلال، بدون حمایت دولت موفق نخواهند شد.

اگر شورای عالی ورزش از حالت تشریفاتی خارج شود و وزارت ورزش به جای ورود به اجرا، در کنار شورای عالی نقش سیاست گذار و ناظر را ایفا کند و فدراسیون ها بازوی اجرایی باشند، بسیاری از تعارض منافع و زمینه های فساد از بین خواهد رفت. اما نکته اساسی این است که اگر فدراسیون ها کمیته قضایی متشکل از افراد مستقل، کاربلد و بدون وابستگی به هیأت رئیسه داشته باشند، بدون تردید به محض وقوع تخلف از سوی رئیس فدراسیون، برخورد قانونی لازم انجام می شود. چنین کمیته ای که اهمیت آن حتی بیش از هیأت رئیسه است، نقش دیده بان سلامت فدراسیون را ایفا می کند و با فعال بودن آن، دیگر نیازی به دخالت وزیر ورزش یا ورود مراجع بین المللی نخواهد بود.

مدیران آماتور

و خسارت های هنگفت به ورزش



رضا شاه منصوروی
کارشناس حقوقی

احراز هویت و صلاحیت کاندیداهای مدیریتی در فدراسیون های ورزشی، نیازمند بازنگری جدی و اساسی است. مجامع فدراسیون های ورزشی به موجب اساسنامه های ملی و تطبیق با استانداردهای جهانی، عالی ترین رکن تصمیم گیری و مدیریتی هر فدراسیون محسوب می شوند و اختیار عزل رئیس یا هر مقام مدیریتی را دارند. این اختیار، مطابق جایگاه مدیریت قرار گرفته و سپس به سمت اخذ تصمیمات ورزشی حرکت کرده اند. این روند موجب بروز چالش های متعدد در فدراسیون ها شده و در نتیجه، بخش احراز هویت و صلاحیت کاندیداهای نیازمند بازنگری بنیادین است.

در شرایط فعلی، در ارزیابی صلاحیت ها عمدتاً بر ابعاد اخلاقی تمرکز می شود، در حالی که تجربه نشان داده است برخی مدیران پس از ورود به جایگاه مدیریت، رفتارهایی از خود نشان می دهند که با اساسنامه ها و قواعد حرفه ای همخوانی ندارد و ماهیتی آماتورگونه دارد؛ امری که سبب ایجاد چالش ها و مشکلات جدی برای فدراسیون ها می شود. نشانه روشن این مسأله، خسارت های هنگفتی است که ورزش کشور در سال های اخیر به دلیل قراردادهای اشتباه مدیران باشگاه ها و رؤسای فدراسیون ها متحمل شده است.

در چنین مواردی، مجمع فدراسیون می تواند بر اساس گزارش های واصله، جلسه اضطراری تشکیل دهد. مشروط بر آنکه موضوع جلسه به صورت صحیح و شفاف اعلام شده باشد، اعضای صاحب رأی مجازند نسبت به استمرار یا خاتمه مدیریت تصمیم گیری و حکم به عدم صلاحیت مدیریتی صادر کنند. این مجمع متشکل از ذی نفعان واقعی فدراسیون از جمله مدیران، مربیان، بازیکنان و سایر صاحبان حق است و مطابق اساسنامه های جهانی، تصمیمات آن برای تمامی نهاد های مرتبط لازم الاتباع و محترم است.

ژیمناستیک گفته می شود ابهامات مالی تا حدی پیش رفته و پرونده تشکیل داده است. به همین علت حالا اعضای مجمع تصمیم به تعلیق وی گرفتند تا تکلیف پرونده او روشن شود. البته که اینچه درگاهی معتقد است هنوز جرمی ثابت نشده بر این اساس تشکیل مجمع غیر قانونی است در حالی که وزارت ورزش به عنوان متولی دستگاه ورزش این ادعا را رد کرده و تأکید دارد همه چیز طبق قانون پیش رفته است. نگاهی به سوابق رؤسای فدراسیون هایی که از سوی مجامع تعلیق یا برکنار شده اند، نشان می دهد نقطه اشتراک اکثریت قریب به اتفاق آنان و اعضای هیأت رئیسه شان، بی توجهی به اساسنامه و سر باز زدن از پاسخگویی به اعضای مجمع است. برای واگوی این معضل ساختاری، سراغ کارشناسان و صاحب نظران رفیقیم تا با نگاهی انتقادی، ابعاد و ریشه های آن را بررسی کنیم.

مدیرکل دفتر امور مشترک فدراسیون ها در گفت وگو با «ایران»:

درباره پرونده اینچه درگاهی باید معاونت حقوقی نظر دهد

مهری رنجبر/ برکناری زهرا اینچه درگاهی از ریاست فدراسیون ژیمناستیک برای دومین بار رخ داد؛ مدیری که با فشار فدراسیون جهانی دوباره به صندلی ریاست نیکه زده بود اما این بار نیز دوران مدیریتش دوام چندانی نداشت.

کامیار اکبری سلطانی، مدیرکل دفتر امور مشترک فدراسیون ها، درباره جلوگیری از تکرار چنین اتفاقاتی در آینده، در گفت وگو با «ایران» توضیح می دهد.

صلاحیت کاندیدها چگونه در کمیسیون تطبیق بررسی می شود؟

کمیسیون تطبیق، سوابق مدیریتی کاندیدها را ارزیابی می کند و پس از تأیید اولیه، نامه ای به حراست ارسال می شود تا صلاحیت آنها از سه نهاد نظارتی استعلام شود. این روند هم برای کاندیداهای ریاست و هم اعضای هیأت رئیسه انجام می شود تا زمان از دست نرود و مجمع بتواند هم زمان رأی اعتماد بگیرد. لازم برای هیأت رئیسه را نیز صادر کند.

آیا کمیسیون تطبیق، مدارک را نیز بررسی می کند؟

کمیسیون تطبیق در وهله اول به بررسی مسائل و تأیید صلاحیت عمومی می پردازد، نه موضوعات فنی.

معاونت قهرمانی ندارد و مباحثی است که مراجع ذی صلاح نظارتی با بازرسی های خود مطرح کرده اند. معاونت قهرمانی صرفاً مجری برگزاری انتخابات و پیگیری امور قهرمانی است. شأن این معاونت در حدی نیست که وارد چنین مسائل حاشیه ای شود. این صحبت ها نوعی فرافکنی است و اعتقادی به آنها ندارم.»

قانونی پیش رفت و هیچ تهدیدی درباره تعلیق وجود ندارد. «اسبقیان در واکنش به ادعای زهرا اینچه درگاهی مبنی بر اینکه «به دلیل رأی نیاوردن در انتخابات سال ۹۶ این موضوع را پیگیری کرده ایم، نیز توضیح داد: «مسئولیت من بسیار فراتر از این موضوع است. موضوعات مربوط به فدراسیون ژیمناستیک در این پرونده ارتباطی به

بودیم سریع این موضوع را بررسی کنیم تا خیلی در امور ژیمناستیک ایجاد نشود.» او درباره عدم وجود خطر تعلیق فدراسیون از سوی فدراسیون جهانی گفت: «بالترین مرجع در فدراسیون ها، مجامع آنها هستند. اعضای مجمع آزادانه رأی دادند و کوچک ترین دخالت خارجی در کار نبود. همه چیز طبق موازین

سید محمدشروین اسبقیان، معاون توسعه ورزش قهرمانی وزارت ورزش، با اشاره به تصمیم مجمع فدراسیون ژیمناستیک درباره تعلیق فعالیت زهرا اینچه درگاهی توضیح داد: «روند برگزاری مجمع فوق العاده بر اساس اساسنامه فدراسیون انجام شد و به دلیل تعلیقی که برای رئیس فدراسیون صورت گرفته بود، موظف

قدرت مجمع در فوتبال

از کفاشیان تا عزیزی خادم

محمد رضا رحیم پور در تاریخ پربین و خم فدراسیون فوتبال ایران، تنها سه نام به عنوان رؤسایی که عملاً از قدرت کنار گذاشته شده اند ثبت شده است: محمد دادکان، شهاب الدین عزیزی خادم و علی کفاشیان. هر چند کفاشیان نه با حکم عزل، بلکه با رأی نیاوردن در مجمع ۱۳۹۵ از صحنه کنار رفت اما آنچه این سه پرونده را به یکدیگر پیوند می دهد، نقش پررنگ و تعیین کننده نهادی است که سایه اش بر همه ارکان فوتبال سنگینی می کند: مجمع فدراسیون فوتبال. نقطه عطف این قدرت، خرداد ۱۳۸۵ بود: روزی که دولت وقت با دستور مستقیم سازمان تربیت بدنی، محمد دادکان را برکنار و فیفا بی درنگ فوتبال ایران را تعلیق کرد. تعلیقی که پیام روشنی داشت: هیچ مرجعی اعم از سیاسی و غیرسیاسی جز مجمع، حق عزل رئیس فدراسیون را ندارد. همین بحران، بنای تولد اساسنامه ای شد که در آن هرگونه دخالت بیرونی حذف و تنها «پیشنهاد هیأت رئیسه» و «رأی دوسوم مجمع»

جنجال آفرینی ریشه در ضعف ساختاری دارد

جنجال آفرینی در برخی فدراسیون ها و حتی استفاده برخی رؤسا از تهدید تعلیق برای تثبیت قدرت، ریشه در چند ضعف ساختاری دارد. اول آنکه بسیاری از فدراسیون های مشمول مقررات آماتوری با خلأهای جدی قانونی روبه رو هستند، خلأهایی که در اساسنامه و ساختار اداری بازتاب یافته و زمینه سوءاستفاده را فراهم می کند.

در فدراسیون هایی مانند فوتبال که اساسنامه مستقل دارند، اهمیت این موضوع دوچندان



امیر ساعد وکیل
کارشناس حقوقی

است. اساسنامه مستقل دارند، اهمیت این موضوع دوچندان



مجامع، بالاترین رکن تصمیم گیری فدراسیون ها



هوشنگ نصیرزاده
کارشناس حقوقی

مجامع عمومی فدراسیون ها بالاترین رکن تصمیم گیری در امور مدیریتی به شمار می روند. همان گونه که رؤسای فدراسیون ها با ارائه برنامه های پیشنهادی خود از اعضای مجمع رأی می گیرند تا به عنوان رئیس فدراسیون فعالیت کنند، قانونگذار نیز به اعضای مجمع این اختیار را داده است که بر عملکرد رئیس و اعضای اقدامات فکری صورت گیرد. با این حال، طبق قانون، آنچه در اساسنامه یک فدراسیون ورزشی قید شده، ملاک تصمیم گیری خواهد بود و چنانچه آن اساسنامه به تأیید فدراسیون جهانی رسیده باشد، هیچ کس نمی تواند مانع اجرای آن شود.

اعضای مجمع، به عنوان بالاترین رکن تصمیم گیری در فدراسیون های ورزشی، می توانند در طول دوره فعالیت رئیس فدراسیون و اعضای هیأت رئیسه، هرگاه نقدی به سیستم مدیریتی آن مجموعه داشته باشند، در صورت بی توجهی مسئولان، درخواست برگزاری مجمع فوق العاده بدهند تا رئیس و اعضای هیأت رئیسه را استیضاح کنند. اگر رئیس فدراسیون و اعضای هیأت رئیسه نتوانند بار دیگر از مجمع رأی اعتماد بگیرند، ادامه فعالیت آنها طبق قانون ممکن نیست و هیچ جای اعتراضی نیز برای اعضای معزول هیأت رئیسه و رئیس فدراسیون وجود نخواهد داشت.

در این میان، برخی موضوع تعلیق فدراسیون ها را مطرح می کنند: در حالی که برابر اساسنامه، اگر همه چیز براساس عرف پیش برود و مراحل قانونی بدون کم و کاست طی شود، امکان تعلیق به هیچ وجه وجود نخواهد داشت؛ مگر اینکه مستنداتی ارائه شود که نشان دهد نهادهایی خارج از سیستم ورزش در این تصمیم نقش آفرینی کرده اند. در غیر این صورت، خطری از جهت تعلیق فدراسیون را تهدید نمی کند.

عزل مدیر

حق قانونی مجامع فدراسیون ها



امیر رضا واعظ اشتیانی
کارشناس مدیریت

بالاترین رکن قانونی هر فدراسیون، مجمع آن است و هر سازمان بین المللی نیز مکلف به اجرای قوانین مصوب و مکتوب خود می باشد. مجمع عمومی فوق العاده زمانی تشکیل می شود که گزارش ویژه ای به آن ارسال شده باشد و اعضای صاحب رأی می توانند درباره آن تصمیم گیری کرده و حکم به عدم صلاحیت صادر کنند. اعضای این مجمع کسانی هستند که در فدراسیون ذی نفع اند و بنابراین طبیعی است که بهترین تصمیم را اتخاذ کنند. مجمع این حق را دارد که رئیس را عزل، منصوب یا تشویق کند و هیچ کسی حتی وزیر ورزش حق ندارد برخلاف رأی مجمع رفتار کند.

درباره زهرا اینچه درگاهی، رئیس فدراسیون ژیمناستیک، این فرآیند کاملاً مطابق قانون انجام شده و اکثریت آرا حکم به عزل او داده اند. بنابراین او نمی تواند از طریق مجامع بین المللی یا سازمان های بالادستی حوزه ژیمناستیک، رأی صادره را تغییر دهد یا فشاری بر وزارت ورزش وارد کند؛ زیرا این موضوع تابع یک قانون جهانی است. اما اینکه چرا صلاحیت چنین کاندیداهایی پیش از پذیرش مسئولیت با دقت بیشتری بررسی نمی شود، باید گفت که برای ندهای نظارتی، وضعیت فعلی افراد اهمیت دارد. یعنی استعلام های چهارگانه از ابتدا تا امروز ملاک بررسی است. اینکه مدیری در حوزه مالی، اقتصادی یا فرهنگی با چالش روبه رو می شود، دلیل بر آن نیست که احراز صلاحیت او در ابتدا اشتباه بوده است. از این مرحله به بعد، این حق مجمع است که عملکرد مدیر را بررسی کند؛ چراکه مجمع بالاترین مرجع قانونی هر فدراسیون است و هیچ بهانه ای برای رد تصمیم آن وجود ندارد.